



نویسنده: دانا ویسالی «Dana Visalli».

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2018-01-23».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

تاریخچه مختصر افغانستان : میراث امپراتوری بریتانیا

Afghanistan : the Legacy of the British .A brief History

این مقاله به بار اول توسط گلوبال ریسرچ در «22» ماه مارچ سال (2013) تحت عنوان بررسی کوتاهی از تاریخ اخیر افغانستان با برخی توضیحات لازم به نشر رسید که قسمتی از این توضیحات مقاله با برخی رویدادها کنونی در زمینه های مربوطه به بحران امروز کشور همخوانی و مطابقت دارد.

با آغاز در مورد افغانستان ؛ محل وجایی پیچیده ای که در آن (20) گروه های عمده ای قومی با داشتن بیش از (30) زبان و (50) درصد از باشندگان آن با هرد زبان یعنی به پشتو ، دری صحبت کرده میتوانند زنده گی میکنند . این خود نشاندهنده ای موقعیت جغرافیایی آن در تقاطع فرهنگی و همچنین در توپوگرافی کوهستانی آن است ؛ که گروه های مختلف قومی را از یکدیگر جدا میکند . در دهه (1700)



زمانی که افغانستان بعنوان یک ملت بخود شکل گرفت ، دو قدرت بزرگ جهانی در آن زمان از با سمت گیری های مخالف در جهت سوق و اداره این کشور در رقابت

با هم افتادند انگلیس ها در سالهای (1757) و (1857) مشغول فتح هند بودند و روسیه کنترل خود را در شرق گسترش میداد که این هر دو قدرت جهانی در سال (1828) در مرز افغانستان با هم شاخ به شاخ و در رویا روی قرار گرفتند این بررسی و یا این مرور اجمالی در اول از سهمگیری انگلستان و بعداً از سهمگیری آمریکا در شکل گیری افغانستان مدرن را به توضیح میگیرد .

با پیدایش نشان ساخت که یکی از پرطرفدارترین محصولات را که انگلستان از کلونی (مستعمره) جدید خود که از هند صادر کرد تریاک بود. «1»

بریتانیا تا سال (1770) انحصار تولید تریاک در هندوستان را کماکان در دست داشت و در پی این نیز بود که کشت تریاک را در افغانستان گسترش و رونق دهد چونکه (مرزها بین هند بریتانیا و افغانستان تا سال «1893» نامشخص بود) اما دلوایسی و نگرانی انگلیس ها از نگهداری و حفاظت تجارت مواد مخدره این بود که امیر **دوست محمد خان** پادشاه افغانستان با روس ها مناسبات بسیار نزدیک و دوستانه داشت. انگلیس ها با درک از این دوستی در سال (1839) یک نیروی اعزامی از (12000) سرباز خود را به افغانستان فرستاد تا امیر **دوست محمد خان** را از پادشاهی خلع و بجای او **شاه شجاع** را بعنوان شاه دست نشانده ای خود جایگزین و مستقر سازد؛ انگلیس ها بخاطر حمایت و کمک به سربازان اعزامی خود در کابل به اعزام یک پادگان (گارنیزون) پرداخت ولی مردم افغانستان با این اشغال توسط انگلیس ها مخالفت کردند و در زمستان سال (1842) انگلیس ها از روی مجبوری به نسبت خیزش و مخالفت مردم افغانستان به سمت شرق کشور عقب نشینی کردند اما با گذشت چند روز از آغاز خروج نیروهای انگلیس از کابل به نسبت برف باری های شدید و جنگی که بین انگلیس ها و افغان ها در مسیر راه کابل - جلال آباد رخ داد (17000) سربازان انگلیس ها به قتل رسیدند. «2»

امیر **دوست محمد خان** مجدداً بسر قدرت رسید. اما دولت افغانستان منابع و یا امکانات لازم را برای محافظت از مرزهای خود بدست نداشت و انگلستان به سرعت تمام قلمرو افغانستان را بین رودخانه هند و هندوکش از جمله بلوچستان را از پیکر افغانستان در سال (1859) جدا و در تحت تصرف خود در آورد و دسترسی افغانستان را به بحر قطع کرد «3»

ولی با آنهم از طرف روس ها نگران و در تشویش بود تا آنکه در سال (1878) مجدداً به افغانستان حمله کرد و پادشاه بر سر اقتدار افغانستان را منقرض ساخت و دولت جدید افغانستان را وادار ساخت که ارتش انگلستان از او محافظت کند - انگلیسها طوری می اندیشیدند که جدا کردن یک بخش یا یک قطع کوچک از قلمرو افغانستان بر اساس هدایت و یا آنچه که در لندن تعیین شده بود میتواند یک (scientific Frontier = مرز علمی) امپراتوری هند بریتانیا وی باشد و برای دولت افغانستان چنین مقرر داشتند که با این عمل خود میتوانند کنترل اقتصادی و تمام سیاست خارجی افغانستان را در دست خود

داشته باشند. «4» .

حملات یکی بعد از دیگری انگلیس ها بالا افغانستان موجب تلخ کامی مردم آزاده افغانستان گردید و انگلیس ها احساس خشونت مردم افغانستان را علیه خود برانگیختند تا آنکه مردم افغانستان در برابر تمام اصلاحات و ریفورم های غرب از خود مقاومت شدید نشان دادند که این مقاومت مردم افغانستان از طرف رهبران افغانستان در سال های بعدی نشان داده شد.

انگلیسها بخاطر تحکیم دستاورد های استعماری خود در منطقه خط نام نهاد دیورند را بطول (1500) مایل بین هند بریتانیای و افغانستان در سال (1893) ایجاد کردند و چنین وانمود ساختند که ما «انگلیسها» مزایایی ارضی قبلی و یا مقررات تعیین شده ای منطقی خود را بطور دایمی در ولایات و مناطق مرز شمال غربی که از مدت های طولانی بخشی از قلمرو افغانستان بود بدست آوردیم که البته ایجاد همچو مرز بدون مشورت با مردم و دولت افغانستان که در یک کنوانسیون روسیه و انگلیس در سال (1907) دایمی ساخته شد. «5» .

با توجه به این مناطق و ولایات مردم پشتون را که از زمان های بسیار قدیم باشندگان از این سرزمین افغانستان بین دو کشور هند و افغانستان بودند تقسیم کرد که این خود باعث ایجاد خشم عمیق میان پشتون ها شد که امروز از آن جدایی (120) سال می گذرد و تا هنوز که هنوز است خشم مردم پشتون علیه انگلیس ها فروکش نکرده است و طالبان که تمام شان پشتون هستند تسلط بیگانگان را نمیخواهند .

بعد از این جدایی نه انگلیس ها و نه هم پاکستانی ها هیچ یک از آنها نتوانستند که به تسلط و حاکمیت کامل خود در این مناطق و ولایات شمال غربی ادامه دهند یا این مناطق را در تحت کنترل دایمی خود داشته باشند. و اما بعد از نفوذ روز افزون افراتیت اسلامی که باعث ظهور القاعده و طالبان در این مناطق شد اکنون همین ولایات شمال غربی است که به عرصه ای بمبگذاری های هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده امریکا مورد هدف قرار گرفته است که البته این نزاع و ناسازگاری موجود محصول ترسیم و یا ایجاد خط تحمیلی دیورند میباشند.

شاه امان الله خان پادشاه ترقیخواه و نیرومند و ضد استعمار انگلیس در سال (1919) بر تخت سلطنت کابل تکیه زد و در همان روز در سخنرانی افتتاحیه خود استقلال افغانستان را از وضعیت (محافظتی) انگلیس ها اعلان کرد. و او با راه اندازی در استانها و یا در ولایات شمال غربی خواست که مناطق جدا کرده شده ای سرزمین خود را به کمک و پیشینیا نی مردم آن ولایات که در مرز خط دیورند قرار داشت مجدداً به قلمرو افغانستان متصل کند که انگلیس ها در قبال این خواسته و عمل **شاه امان الله خان** بار دیگر بالای افغانستان حمله کردند و جنگ سوم بین افغان و انگلیس در ماه جون سال (1919) در گرفت

انگلیس ها در این جنگ مثل که در جنگ های گذشته ناکام و شکست خورده بودند در این جنگ نیز شکست خوردند با وجودیکه توسط هواپیماهای خود بالای کابل و جلال آباد بمبارد میکردند تا آنکه طرفین درگیر در جنگ دیگر تحمل ادامه این جنگ را نداشتند و بالاخره در ماه اگست سال (1919) یک معاهده صلح را امضا کردند و انگلیس ها استقلال افغانستان را برسمیت شناختند ولی متأسفانه که موضوع خط دیورند را بحال خود ش باقی گذاشته شد.

مطلب مهم دیگر اینکه انگلیس ها در عین زمان در مناطق قبایل نشین پشتونها واقع در ولایات شمال غربی خواهان یک تسط آرمانی نسبت به تسلط کامل واقعی وریالیستی بودند و انگلیس ها بین سالهای (1849) تا (1900) کم و بیش «42» عملیات های نظامی را بخاطر مطیع ساختن اقوام کله شق کوهستانی پشتون ها در سرزمین های شمال غربی انجام دادند؛ آنوقتی که **امیر امان الله خان** در صدد الحاق دوباره سرزمین های جدا ساخته شده اش به قلمرو افغانستان بود و انگلیس ها در این مورد واکنش بیرحمانه و خونین خود را بغرض تسخیر این سرزمین های ولایات شمال غربی نشان دادند که در جنگ پنج روزه در سال (1920) دوهزار سرباز بریتانیایی و هند و چهار هزار از مردم قبایل افغان کشته شدند. «6»

اما **شاه امان الله خان** پادشاه افغانستان بعنوان یک ناجی و پیشوای آزادی و آزادی سازی در قلوب و اذهان مردم جای گرفت او با عجله دست به اصلاح ارتش زد، برده گی و کار اجباری را فسخ و لغو کرد، زنان افغان را به آزادی و حریت تشویق کرد، حجاب را از میان برداشت و زنان را از هر نوع قید تظلم و استبداد مردان آزاد ساخت، و برای زنان فرصت های را بغرض آموزش و تعلیم و تربیه مساعد ساخت؛ که انگلیس ها نسبت به این اقدامات بهی خواهانه و اصلاح طلبانه ای **امان الله خان** در جامعه افغانی خشمگین و احساس ترس کردند که مبادا این نوع آزادی ها به هند تحت تسلط آنها گسترش پیدا نکند و تهدیدی را برای حکومت و امپراتوری انگلیس ها در هند بوجود نیاورد «7». همان بود که انگلیس ها به حمایت و پشتیبانی از اسلامگرایان محافظه کار و ارتجاعی قرون وسطایی در افغانستان دست بکار شدند و به تضعیف حکومت **شاه امان الله خان** پرداختند.

در سال (1924) در شهر مرزی خوست مسلمانان محافظه کار دست به شورش زدند که این شورش در اثر مداخله ارتش افغانستان سرکوب و فروریخت. این شورش های خشونت آمیز و واکنشی در برابر اصلاحات اجتماعی **امان الله خان** بود بویژه در ارتباط به آموزش عمومی دختران و آزادی زنان افغانستان. مورخ و تاریخ فهم افغانستان **عبدالصمد «غوث»** در سال (1988) چنین نوشت: «بریتانیا در این مورد مقصر اصلی بشمار می آید و انگلیس ها بخاطر آنکه در منطقه نا بود نگرند اقوام و طوایف را علیه

امان الله خان به شورش و قیام فراخواندند «8».

در سال (1929) شورش سترگ و عظیم مردم قبایل محافظه کار آغاز شد **وامان الله خان** را مجبور به فرار از کشور ساختند. ؛ بسیاری از مورخان معتقدند که انگلیس ها نیز در این سنا ریو فلم فرار **امان الله خان** سهم فعال داشتند و در دیدگاه **صمد «غوٹ»** افغان ها بطور کلی همچنان متقاعد شدند که حذف و عزل **امان الله خان** از مقام پادشاهی توسط انگلیس ها طرح و پلانیزی شده بود چونکه **امان الله خان** در منطقه مانع پیشرفت منافع انگلیس ها بود و انگلیس ها **امان الله خان** را به حیث یک مانع در مقابل اهداف خود میدیدند. «9»

پادشاه جدید «نادرشاه» مبدل به یک دیکتاتور بریتا نیایوی شده بود ؛ کسیکه خط دیورند را به رسمیت شناخت. انگلیس ها در سال (1930) بخاطر کنترل هرچه شدیدتر سرزمین های شمال غربی کمپین نظامی جدیدی را در ارتباط دادوستد مواد مخدره برای انداختن اما این تهاجم و کمپین ضعیف و ناتوان بود تا جایکه انگلیس ها کنترل شهر پشاور را در مقابل جنگجویان قبایل افغان از دست دادند. با وجودیکه انگلیسها به بمباران هوایی خود علیه غیر نظامیان افغان بخاطر جلوگیری از شکست خود دوام میدادند. **پروفیسور نومان چامسکی (Professor Noam Chomsky)** بعداً در اشاره به این موضوع میگوید: **وینستون چرچل (Winston Churchill)** این احساس را داشت که استعمال گاز سمی در برابر قبایل غیر متمدن (بویژه کردها و افغان ها) مناسب است. در حالیکه لوید جیورج (**Lloyd George**) به ارتباط تامین منافع برجسته انگلیس ها اظهار داشت (ما اصرار می ورزیم که حق بمبارد را بالای برده گان سیاه «زر خرید» داریم و ارزو میکنم که آنها بمبارد شوند). «10»

یکی از دلایل اصلی خصومت طولانی میان افغانستان و پاکستان موضوع دایمی از دست رفتن و قطع شدن دسترسی افغانستان توسط بریتا نیایوی ها از سرزمین های جدا شده از بدنه و قلمرو افغانستان میباشد. از جمله از بلوچستان «از دسترسی افغانستان به بحر» و سرزمین های شمال غرب که اکنون در تحت نیمه کنترل پاکستان از هنگامیکه پاکستان توسط انگلیسها در سال (1947) ایجاد شده میباشد انگلیسها افغانها را در مذاکرات پارتیشن بین هند و پاکستان و توافقنامه پارتیشن که مرزها را تعیین میکردند اجازه حضور و اشتراک را ندادند و علاوه بر نهادینه سازی این مرز مصنوعی که در سال (1893) صورت گرفت قانون پارتیشن انگلیس؛ اقتصاد افغانستان را به رکود مواجه کرد و بطور دایم افغانستان قلمرو خود را در نزدیکی هندوکش که به دریا دسترسی داشت از دست داد. دولت افغانستان در واکنش به توافقنامه پارتیشن یک جنبش مستقل پشتو نیستی را ایجاد کرد که خواستار استقلال و آزادی در مناطق شمال غربی شدند پاکستان در پاسخ به این اقدام موضع خود را در سرزمین های شمال غربی سخت تر و شدید تر ساخت

ودرسال (1948) نیروهای بیشتر نظامی خود را در مناطق قبایلی و یا در سرزمین های شمال غربی افزایش داد؛ این اقدام موجب شد که **ظاهر شاه** پادشاه افغانستان خواستار انحلال خط دیورند و خواستار الحاق سرزمین های جدا ساخته شده ای به قلمرو کشورش شود این موضوع را رسماً اعلام کرد. و در کابل یک جرگه عنعنوی (لویه جرگه) تدویر یافت که جرگه آزاد شدن بدون قید و شرط مناطق قبایلی را از پاکستان خواستار شد.

این جرگه عنعنوی «لویه جرگه» همچنین به دولت افغانستان صلاحیت عام و تام داد که تمام معاهدات افغانستان را با بریتانیا در ارتباط تمام پشتون های مسکون در سراسر خط دیورند فسخ و لغو کند قابل تذکر است که امریکایی ها به زودی بعد از پایان جنگ دوم جهانی در افغانستان مشغول بکار شدند و در سال (1950) سند شماره «68» کاملاً محرمانه ای در مورد امنیت ملی کشور خود را در رابطه طراحی و ستراتیژی تسلط اش بر جهان به اتحاد جماهیر شوروی هشدار داد.

ایالات متحده امریکا طرح و روند کمک های خود را در افغانستان در سال (1945) آغاز کرد. **نیکیتا خروشف (Nikita Khrushchev)** ریس جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی در خاطرات خود نوشت: «برای ما اکنون اشکار شده است که امریکایی ها در افغانستان بخاطر ایجاد پایگاه های نظامی خود نفوذ کرده اند.» «11»

وبادرنظر داشت همین اصل و هدف امریکایی ها در سال (1956) یک فرودگاه بین المللی بی ثمر و بدون آنکه مورد استفاده قرار گیرد اعمار کردند که این فرودگاه عمدتاً به عنوان پایگاه سوختگیری برای هواپیما های بمب افکن های ایالات متحده امریکا در نظر گرفته شده بود چنانچه که **ویکی پیدیا** در این مورد چنین یاد اوری میکند: «از آنجاییکه فرودگاه در قندهار بعنوان پایگاه نظامی طراحی شده بود، بیشتر احتمال آن را داشت که ایالات متحده امریکا قصد داشته بود که از آن بعنوان یک پایگاه نظامی در صورتیکه جنگ بین اتحاد جماهیر شوروی و امریکا درگیرد استفاده بعمل آورد.» «12»

در اوایل دهه (1970) ایالات متحده امریکا بخاطر تحقق و توسعه پروگرام سلطه اش بر جهان تصمیم گرفت که بهترین راه در مقابله با اتحاد جماهیر شوروی در منطقه حمایت و پشتیبانی از اسلامگرایان سختگیر و ارتجاعی در افغانستان میباشد اسلامگرایانی که همین اکنون مخالف پیشرفت اصلاحات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در افغانستان هستند به گفته راجر موریس (Roger Morris) عضو شورای امنیت ملی سازمان سیا (سی آی ای) که میگوید: ما در سال (1973) حمایت مخفیانه خود را به افراطگرایان اسلامی افغانستان آغاز کردیم چنانچه در اوایل ماه اگست سال (1973) «13» در یک گزارش طبقه بندی شده ای وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا چنین ملاحظه میشود «منافع بزرگتر ایالات متحده امریکا از طریق سقوط دولت کنونی

افغانستان متصور است علرغم هرگونه شکستی اگر ممکن باشد که مانع اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در آینده افغانستان شود».

لذا اسلامگرایان بنیادی و ارتجاعی مخالف حکومت افغانستان بنام مجاهیدین یا مبارزان علمبردار برای اسلام «بقول رونالد ریگان» از طرف ایالات متحده امریکا حمایت و شناخته شدند.

زبیگنیو بریژنسکی (Zbigniew Brzezinski) مشاور امنیت ملی رییس جمهور **جیمی کارتر** بعد از درگیری جنگ شوروی و افغانستان پذیرفت که سازمان (سی آی ای) بطور کامل شش ماه قبل از تهاجم شوروی بالای افغانستان آغاز به کمک های مخفیانه خود به مجاهیدین افغان نموده بود. «14» او اشاره کرد که هدف و قصد امریکا در ارایه و تقدیم کمک هایش به مجاهیدین افغان به تله انداختن روس ها در دام افغان ها بود. روزی که شوروی ها رسماً از مرز عبور کردند من به رییس جمهور کارتر نوشتم: ما اکنون میتوانیم جنگ ویتنام را به شوروی ها بدهیم.



زبیگنیو بریژنسکی

تهاجم شوروی به افغانستان در دسامبر سال (1979) در ذهن آنها عمدتاً مبتنی بر دانش آماری بود که ایالات متحده امریکا اصلاً بخاطر اهداف خود دولت افغانستان را باید که بی ثبات میساخت.

هنگامیکه شورویها بالای افغانستان حمله کردند ایالات متحده امریکا سریعاً مجاهیدین را از هرنگاه مسلح تجهیز و تسلیح کردند چنانچه در ماه فبروی سال (1980) واشنگتن پست گزارش داد که مجاهیدین افغانستان از دولت امریکا سلاح بدست می آورند به گفته ای محمد یوسف جنرال پاکستانی که در سال های (1983) و (1987) ناظر جنگ های مخفی بود او میزان کمک های قابل توجه امریکا را برای مجاهیدین افغانستان در سال (1983) به (10000) تن اسلحه و مهمات نظامی و بعداً در سال (1987) به (65000) تن درحال افزایش افشا میکند.

میلتون باردون (Milton Bearden) رییس دفتر (سی آی ای) در پاکستان که از سال (1986) تا سال (1989) ناظر و مسول توزیع اسلحه و مهمات نظامی امریکا برای

گروه های مجاهدین افغان در پاکستان بود اظهار داشت: « ایالات متحده امریکا در جنگ با شوروی آخرین افغان را در جنگ علیه شوروی تشویق کرد. » «15»
تخمین زده شده است که ایالات متحده امریکا و عربستان سعودی در طول مدت جنگ افغانستان علیه شوروی به مبلغ (40) میلیارد دالر اسلحه و پول نقد به مجاهدین بنیاد گرایان افغان تهیه و پرداخته استوالبتنه که این همه کمک های تسلیحاتی و مالی از طریق پاکستان تمویل گردیده است. «16» که یک بخش قابل ملاحظه ای این پول ها بخاطر براه اندازی و ایجاد مدارس و مکاتیب مذهبی برای هزاران بنیاد گرایان اسلامی و برای کودکان پناهنده افغان بمصرف رسیده که بعداً همین مکاتب و موسسات ایجاد شده به مدارس طالبان مبدل شد. «17»

اکثریت دانشجویان این مدارس دینی و مذهبی طالبان؛ یتیمان آسیب دیده از جنگ نظامی در افغانستان بوده اند که بعداً در این مدارس و مکاتب پسرانه به شاگردان لفظاً تحت عنوان آموزش مسایل و موضوعات دینی در عوض فن و مهارت های جنگی تدریس میشد که پا ن زده سال بعد ایالات متحده امریکا که وجوه مالی این مکاتب دینی و مذهبی را در طول سال های جنگ افغان شوروی تمویل میکرد با طالبان همین مدارس در جنگ وجدال مواجهه شد چونکه همین بنیادگرایان مذهبی بتاريخ یازدهم ماه سپتمبر بالای مرکز تجارتی برج دوقلویی در نیویارک و بالای پنتاگون در واشنگتن حمله و تهاجم کردند که باعث مرگ هزاران نفر شد.

در سال (2001) سه هفته بعد از رخداد واقعه یازدهم ماه سپتمبر نخست وزیر بریتانیا **تونی بلر (Tony Blair)** در مورد فروش و معامله قضیه مواد مخدره و جنگ در افغانستان با تاکید همه جانبه گفت که این تهاجم، تجارت مواد مخدره غیر قانونی را در افغانستان نابود و به بیراهه کشانیده است و او در سخنرانی پرشور خود برای حزب کارگران انگلستان به هواخواهان و طرفداران خود گفت: «سلاح های راکه امروز طالبان خرید میکنند و یا بدست می آورند، پول آنرا از فروش مواد مخدره به جوانان رشید ما در کوچه های بریتانیا که به نابودی و مرگ و میر جوانان ما منتهی میشود بدست می آورند. »



باید خاطر نشان ساخت که طالبان کشت خشخاش را که در ماه مه سال (2000) غیر قانونی و منع اعلان کردند، موضوع از این قرار بود که در آن زمان ایالات متحده

امریکا و «ناتو» در حال آماده‌گی بخاطر تهاجم بر افغانستان بودند که در اثر همین تهاجم و حمله تجارت مواد مخدره در افغانستان نا پدید و به رکود مواجهه شد. «18».

بمجردیکه حکومت طالبان در افغانستان سرنگون شد، رشد کشت خشکاش و تولید تریاک و هیروین در افغانستان افزایش یافت. بطوریکه میزان این رشد و تولید خشکاش هر ساله در جهان ریکارد قایم نمود. و امروز افغانستان اولین کشور تا مین کننده مواد مخدره معنادار و ضرورت مندان در سطح جهان میباشد، تولید تریاک توسط ده‌ها قین افغان در سالهای از (2001) تا (2012) از «185» تَن به «5800» تَن افزایش یافت تاجیکه (90) درصد از هیروینی که امروز در کوچه‌های بریتانیا فروخته میشود از تولیدات تریاک افغانستان است. و بعد از گذشت (12) سال اشغال افغانستان توسط ایالات متحده امریکا و هیروین و تریاک افغانستان در حال حاضر در حدود نیمی از تولید ناخالص افغانستان را تشکیل میدهد. «19».

باید اذعان کرد که در جریان جنگ شوروی و افغان بیش از یک میلیون افغان کشته و بیش از (4) میلیون افغان زخمی و مجروح و معیوب و بیش از (5) ملیون افغان پناهنده شدند که در حدود (2) میلیون از افغان‌ها دیگر از خانه‌های خود در داخل کشور بیجا شدند «20» و بعداً در جنگ میهنی در حدود (400000) افغان جان سپردند و در طول سالهای اشغال افغانستان توسط ایالات متحده امریکا تا حال (40000) افغان دیگر محکوم بمرگ شدند «21» - (30) سال جنگ با (250) سال دستکاری و یا (Manipulation) توسط قدرت‌های خارجی افغانستان را به یکی از فقیرترین و نادارترین کشور در سطح جهان رسانیدند و یا برگرداندند. «22».

مورخی بنام هاوارد زین (Howard Zinn) چنین میگوید: «نافرمانی مدنی مشکل ما نیست بلکه پرابلم و مشکل ما در نافرمانی و عدم اطاعت عامه از مدنیست است و مشکل ما این است که مردم در سراسر جهان از رهبران دیکتاتور حکومت خود اطاعت کرده به جنگ رفته و میلیون‌ها نفر به دلیل اطاعت و فرمانبرداری از رهبران خود کشته شده اند مشکل ما این است که مردم با وجود مواجهه با فقر و گزسنگی و حماقت و جنگ و تظلم در سراسر جهان تن به اطاعت داده اند؛ مشکل ما این است که مردم مطیع و فرمانبردار هستند در حالیکه زندانها پر از دزدان کوچک است و در عین حال دزدان بزرگ در حال ایفای وظیفه مصروف سرقت و چپاول هستند این است مشکل کلی ما».

----- با تقدیم احترامات «2018-01-27» -----

1. http://en.wikipedia.org/wiki/Opium_Wars

2. Invisible History: Afghanistan's Untold Story, Paul Fitzgerald & Elizabeth Gould, 2009, pg 34

3. Ibid, pg 38
4. Ibid, pg 45
5. Ibid, pg 54
6. Ibid, pg 60
7. Ibid, pg 63
8. Ibid, pg 62
9. Ibid, pg 63
10. Ibid, pg 65 11. Ibid, pg 94
12. http://en.wikipedia.org/wiki/Kandahar_International_Airport
13. <http://original.antiwar.com/james-lucas/2010/03/05/americas-nation-destroying-mission-in-afghanistan/>
14. Interview with Zbigniew Brezinski". Le Nouvel Observateur. Jan. 15, 1998
15. Milton Bearden, "Afghanistan Graveyard of Empires." Foreign Affairs, November/December 2001.
16. http://en.wikipedia.org/wiki/Foreign_relations_of_Afghanistan
17. <http://www.cdi.org/terrorism/afghanistan-history-pr.cfm> "Lessons from History: U.S. Policy Towards Afghanistan, 1978-2001." 5 October 2001
18. <http://www.dailymail.co.uk/news/article-2102158/Heroin-production-Afghanistan-RISEN-61.html>
19. http://www.unodc.org/pdf/publications/afg_opium_economy_www.pdf
20. http://en.wikipedia.org/wiki/Soviet_war_in_Afghanistan#Destruction_in_Afghanistan
21. <http://www.scaruffi.com/politics/massacre.html>
22. <http://www.globalresearch.ca/afghanistan-ecology-and-the-end-of-war/5326749>

